



عکس: سجاد صفیری / ایران

سیاست ورزی در دوران «پسا هاشمی»



احسان بدافی

خبرنگار

مردم ایران در آینده، سال ۹۵ را با چه اتفاقی به یاد خواهند آورد؟ اتفاقات مهم این سال کم نبودند؛ از تغییر غیرمنتظره ترکیب مجلس ویرانی ساختمان پلاسکو گرفته تا انتخاب غیرمنتظره ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا. اما هیچ کدام از اینها برای جامعه ایرانی به اندازه فوت آیت الله هاشمی رفسنجانی نه غیرمنتظره بود و نه به یادماندنی. همه چیز در طول تنها دو ساعت رخ داد؛ از لحظه شروع شایعه تا زمان اعلام خیر قطعی فوت. هیچ کس در ایران آماده شنیدن این خبر نبود. گروه‌های سیاسی متمایل به دولت و طرفداران آنها در میان طیف‌های مردم برای انتخابات اردیبهشت ماه سال بعد حساب ویژه‌ای روی هاشمی رفسنجانی باز کرده بودند. او پیر نفوذترین رهبر سیاسی گروه‌های حامی دولت در حاکمیت بود. اما پیش از این طیف‌های اعتدالی و اصلاح طلب دل به ایفای نقش آیت الله در برهه‌های بعد از این ریاست جمهوری و سال‌های آتی بسته بودند. امید خیلی‌ها این بود که در صورت رسیدن به مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز، حضور هاشمی رفسنجانی می‌تواند قسمتی از نگرانی‌ها را پاسخ بدهد. خصوصاً اینکه بعد از پایان دولت محمود احمدی‌نژاد حتی گرایش برخی از اصولگرایان هم به سمت او بیشتر شده بود، هر چند که مخالفانش هم تلاش می‌کردند با زبان تندتری حتی نسبت به قبل او را خطاب قرار دهند. اما همه این تصویرسازی‌ها درباره آینده تنها ظرف دو ساعت در شامگاه ۱۹ دی سال ۹۵ نقش بر آب شد. اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایانی که برای مسیر آینده خود روی هاشمی رفسنجانی حساب ویژه باز کرده بودند در یک لحظه تاریخی متوجه شدند که باید این مسیر را به تنهایی طی کنند. خروار سؤال‌ها از همان لحظات اولیه انتشار خبر روی سربان جریان‌ها و هواداران‌شان آوار شد؛ خلاصه حضور هاشمی چگونه پر می‌شود؟ چه فرد یا گروهی می‌توانند بعد از هاشمی نقش او را در سیاست ایران اجرا کنند؟ فقدان آیت الله کدام درها را در سپهر سیاسی ایران خواهد بست؟ سرنوشت گروه‌هایی که فرزندخواندگان سیاسی هاشمی رفسنجانی محسوب می‌شوند، پس از درگذشت او چه خواهد شد؟ نزدیک به چهار دهه تصویر هاشمی رفسنجانی به متن سیاست ایران پیوست شده بود و کمتر کسی می‌توانست این

متن را بدون صورت هاشمی تصویر کند. شوک ۱۹ دی ماه نه تنها به یادماندنی‌ترین و تأثیرگذارترین لحظه سال ۹۵ برای ایرانیان بود بلکه شاید تحولات و پیامدهای ناشی از آن، این لحظه را در زمره لحظات تاریخی بعد از انقلاب ایران هم قرار دهد.

هاشمی، مرگ و شایعه

در گذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی هم به اندازه زندگی سیاسی او پیر حاشیه بود؛ مهم‌ترین حاشیه آن شایعه قتل وی. شایعه‌ای که بارها تکذیب شد. خیلی‌ها می‌گفتند که او در استخر کوشک سعدآباد به مرگ طبیعی از دنیا نرفته است. نقل قول‌های وزیر بهداشت درباره انتقاد او از اینکه تیم پزشکی همراه آیت الله هاشمی رفسنجانی نبود و او دیر به بیمارستان رسید هم قدری به اما و اگرها افزوده بود. حسن قاضی زاده هاشمی، آخرین کسی بود که با هاشمی رفسنجانی سر میز ناهار نشست؛ او ظهر همان روز ۱۹ دی ماه، احوال عمومی هاشمی در آن روز را طبیعی و بدون هیچ علامتی از ناراحتی یاد کرد عنوان کرده بود. در فضای جامعه هم آیت الله سیاستمداری سالخورده اما سر حال و قریح تصویر می‌شد. مردی که در ۸۲ سالگی برنامه منظم ورزشی دارد و هر روز پیاده روی می‌رود. غلامعلی رجایی، مشاور او هم یک هفته بعد از درگذشتش گفت که چندی قبل پزشکان به او اعلام کرده‌اند قلب جوانی ۲۰ ساله در سینه او می‌تپد. هاشمی خود نیز مایل بود که همین تصویر از وی به جامعه مخابره شود. او جش زمانی بود که در آستانه انتخابات سال ۹۲ در جمع دانشجویانی که برای دعوت او به کاندیداتوری به دیدارش آمده بودند، یک ساعت کامل ایستاده سخن گفت. همان سخنرانی معروف که این جمله‌اش روز بعد تیتراصلی خیلی از روزنامه‌ها بود؛ «نمی‌گویم نمی‌آیم»، تصویر سلامت جسمی آیت الله زمانی بیشتر برجسته می‌شد که او در جمع همسنان و سالانش قرار می‌گرفت. جاهایی مثل مجلس خبرگان رهبری. همین وضعیت بود که تصور ایران بدون هاشمی رفسنجانی را از ذهن‌ها دور کرده بود. تنها باری که سخن از ایران بدون هاشمی مطرح شد، خودش بود که پای این حرف را به میان کشید و ۱۴ اردیبهشت ۹۵ گفت که با توجه به تحولات سال‌های اخیر «دیگری می‌توانم راحت بمیرم». هیچ کس و حتی شاید خود او هم این جمله را جدی نمی‌گرفتند اما سال‌ها که این حرف در آن زده شد هنوز به پایان نرسیده بود که این اتفاق «راحت» افتاد.

شوق تشییع

با درگذشت آیت الله هاشمی قسمتی از مخالفان او درگیری‌های ۱۲ ساله و حتی طولانی مدت‌تر خود را با وی کنار گذاشتند و تلاش

کردند که تا روزهای بعد از این اتفاق سوگوار او باشند. در صدر اینها می‌توان از صداوسیما یاد کرد؛ رسانه‌ای که مورد انتقاد جدی هاشمی رفسنجانی در سال‌های اخیر بود و متقابلاً انتقادات و حملاتی جدی را علیه او طرح ریزی می‌کرد. در این فضا همان اظهار نظرهای ابتدایی طیف‌های مختلف معلوم می‌کردند که تهران برای روز تشییع جنازه آیت الله باید منتظر تکرار تجربه‌ای متفاوت باشد. گروه‌های منتقد او از پیش اعلام کردند که «با وجود اختلافات گذشته با هاشمی رفسنجانی نخواهیم گذاشت او بر دوش ضد انقلاب تشییع شود». در مقابل هم طیف‌های معترض که تحولات سال‌های اخیر و موضع‌گیری‌های انتقادی هاشمی را عصاره زندگی سیاسی او می‌دانستند به فکر ایجاد فضایی متفاوت در تشییع جنازه او بودند. در نهایت روز ۲۱ دی ماه دومین تشییع جنازه بزرگ تاریخ جمهوری اسلامی ایران در تهران برای آیت الله هاشمی رفسنجانی برگزار شد و آن طور که فرمانداری تهران اعلام کرد چیزی حدود ۲ و نیم میلیون نفر در این تشییع جنازه شرکت داشتند. فضای قطبی شده مراسم را می‌شد از پوشش رسمی و غیر رسمی آن دید؛ جایی که فیلم‌های منتشر شده در شبکه‌های مجازی از این تشییع جنازه یک فضا و تصاویر تلویزیون فضای دیگری با شعارهای متفاوت را ترسیم می‌کردند. تهران عملاً از ۷ سال قبل چنین جمعیتی را در یک مراسم تجربه نکرده بود تا بدین ترتیب بعد از آن باز هم از «پیام تشییع جنازه هاشمی برای گروه‌های مخالف او» در فضای سیاسی سخن گفته شود.

فقدان؛ فصل جدید حیات سیاسی هاشمی

فصل حضور هاشمی رفسنجانی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در نهایت بعد از ۳۸ سال خاتمه پیدا کرد اما فصل بعد از آن و در فقدان او باز هم احتمالاً سایه‌اش بر سیاست ایران باقی بماند. کما اینکه تنها چند روز بعد از خاکسپاری او سعید قاسمی، یکی از مخالفانش حرف‌های تند علیه هاشمی رفسنجانی مطرح کرد که بازتاب آن و واکنش خانواده هاشمی به این حرف‌ها مدتی در سرخط خبرهای ایران قرار داشت. اما تحولات فصل فقدان آیت الله هاشمی در حاکمیت جمهوری اسلامی هنوز به نقاط حساس خود نرسیده است. انتشار خاطرات او که یکی از مستندترین منابع تحولات تاریخ بعد از انقلاب ایران هستند و سرنوشت خاطرات محرمانه‌ای که او نگاشته می‌تواند به نوبه خود خبر ساز و مهم باشد. همان قدر که تلاش برای پر کردن خلأ حضور او در جریان اصلاحات و اعتدالیون تلاشی کم سروصدا و بی حاشیه نخواهد بود.